

# روند تاریخ‌نگاری در جهان اسلام

• دکتر عباس پناهی<sup>۱</sup>  
استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن



■ تاریخ و تاریخ‌نگاری  
■ محمدرضا ناجی و دیگران  
■ تهران، نشر کتاب مرجع، چاپ اول، ۱۳۸۹، تعداد صفحات: ۳۴۶

## مقدمه

تاریخ‌نگاری به‌عنوان یکی از ابعاد و مظاهر فرهنگ و تمدن در جامعه‌ی انسانی به‌ویژه در عصر جدید از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا مهم‌ترین ویژگی تاریخ ارائه «شناخت» و «هویت» هر فرد در جامعه خویش است. این امر بدون شناخت و دریافت وجوه مختلف هر فرهنگ و تمدن و دانش‌هایی که در آن تمدن ظهور کرده یا تکامل یافته ممکن نخواهد بود. پژوهش درباره‌ی تاریخ‌نگاری نه تنها برای شناخت روش‌ها و آرای تاریخی مورخان ضروری است، بلکه به سبب دگرگونی‌هایی که امروزه در پژوهش و بینش تاریخی رخ داده، راهی برای بررسی نقادانه منابع تاریخی و مورخان هر دوره به‌شمار می‌رود. (صادق سجادی و هادی عالم زاده، ۱۳۷۵: ۳-۱۱)

اهمیت و فایده‌ی بی‌شمار و ماندگار تاریخ و تاریخ‌نگاری بر هیچ فرد اندیشمندی پوشیده نیست، زیرا موضوع اصلی مفروضات و متغیرهای تاریخی، مباحثی است که به‌طور عهده با تمامی ساختارهای اجتماعی پیوند عمیقی برقرار می‌کند، لذا هر فرد برای بررسی و شناخت هویت گذشته و حرکت در حال و آینده نیاز زیادی به مباحث تاریخی دارد. با توجه به این گفتار می‌توان به این نتیجه رسید، تاریخ‌نگاری علمی است که پرداختن به آن بسیار دشوار است و در این حوزه زمانی می‌توان به تحقیق دست یازید که جست‌وجوکننده‌ی آن پس از سال‌ها مطالعه بتواند به مهارت در این رشته برسد. برای تبحر در تاریخ‌نگاری، مقدمه‌ی آن، مطالعه‌ی مداوم و بهره‌گیری از روش‌های مطالعه و پژوهش در این رشته‌ی علمی ضروری و شایسته است، بنابراین برای دستیابی بر معرفت و درک تاریخی مطالعه‌ی متون تاریخی لازمه‌ی پژوهش در این رشته است. (روزنتال، ۱۳۶۸: ۲۰)

مورخان و فیلسوفان در پاسخ به چیستی تاریخ پاسخ‌های زیادی ارائه کرده‌اند. عده‌ای همانند مارکس در پاسخ به حرکت تاریخ دیدگاهی ایدئولوژیکی قائل شده‌اند و برخی نیز دیدگاه جغرافیایی و یا برخی نیز مسائل فرهنگی را مطرح کرده‌اند. هر یک از این پاسخ‌ها که خود برخاسته از دیدگاه‌های متفاوت درباره‌ی تاریخ است، جنبه‌های مختلف این پدیده فرهنگی را روشن می‌سازد. اما قبل از هر چیز باید بین دو معنای متفاوت واژه‌ی «تاریخ» تمایز قائل شد.

واژه‌ی تاریخ، از یک سو برای اشاره به جریان رویدادهای گذشته، یعنی لایه‌ی خاصی از واقعیت که مورد مطالعه و پژوهش آن چرخه‌ی تخصصی

مورخان است، و از سوی دیگر، برای اشاره به پژوهش، مورخ درباره‌ی رویدادهای گذشته، یعنی نوع خاصی از پژوهش با موضوعی خاص به کار می‌رود. (مایکل استنفورد، ۱۳۸۵: ۲ و ۱) در تعبیر نخست منظور بررسی «واقعیتهای تاریخی و حوادث مربوط به آن است و در معنای دوم منظور علم تاریخ است.

با توجه به کارکرد تاریخ و تعبیرهای متفاوتی که از آن در ذهن متبادر می‌شود، باید ریشه‌ی واژه‌ی «تاریخ» در زبان‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. از لحاظ ریشه‌شناسی شکل نوشتاری Histoire که از آغاز رنسانس به همین شکل ضبط شده است. در زبان فرانسه قرون وسطی این کلمه به صورت estoire به کار برده شده که این واژه میراثی از یونان و به بیان دقیق‌تر از گویش ایونی است. کلمه‌ی Histoire مربوط است به ریشه‌ی هندواروپایی wid به معنی دیدن. در زبان یونانی Enquet به معنای تحقیق آمده است و واژه‌ی Histoire به معنای تاریخ و شناخت گذشته اختصاص یافته است. (شارل ساماران و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۱ و ۲: ۲۵ و ۲۴) با توجه به معنی و مفهوم واژه‌ی «تاریخ» در زبان‌های لاتینی، تاریخ در لغت و فرهنگ فارسی به معنای تعیین زمان و رویدادهاست. این واژه در عربی، فارسی و ترکی با مفاهیم متعدد به کار می‌رود. در قرآن کریم و احادیث واژه‌ی تاریخ به کار نرفته است. نخستین بار این کلمه در منابع تاریخی سده‌ی دوم دیده شده از قرن سوم هـ. ق به بعد کاربرد آن رایج گردیده است. درباره‌ی ریشه و اشتقاق آن میان واژه‌شناسان عرب اختلاف نظر وجود دارد. (محمدرضا ناجی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱) بدون شک و تردید علم تاریخ با چنین معرفت و شناختی توانست دستاورد تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را به حال و آینده منتقل نماید. بی‌گمان نخستین قدم‌ها در سیر تکامل تاریخ‌نگاری توسط، هردوت (م ۴۸۵ پ.م)، هالانیکوس (م ۳۹۵ پ.م) و توسیدید (م. ۳۳۹ پ.م) صورت پذیرفت. تاریخ در نگاه مورخان باستان شرح حکایت‌های روزگار بود که از طریق مشاهده برای مورخان حاصل می‌شد و گاهی نیز برخی از مورخان نظیر هردوت برای تقویت روحیه حماسی و برانگیختن حسن نفرت یونانی‌ها علیه سایر ملت‌ها، درحالی‌که آنچه موجب شور و شوق مردم امروز به فراگیری تاریخ موجب می‌شود و یا این که محققان به پژوهش در این حوزه می‌کشاند، تنها شناخت گذشته نیست، بلکه به تعبیر مرحوم زرین کوب معنی و هدف گذشته و آینده نیز می‌باشد، این معنی در رهیافت‌های تاریخی به تاریخ‌نگری تعبیر می‌شود. (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۱۹۸)

#### موضوع کتاب

کتاب حاضر با بحث مفصلی درباره‌ی علم تاریخ از ریشه‌شناسی واژه تاریخ آغاز می‌شود و پس از بررسی شیوه‌های تاریخ‌نگاری و انواع آن در جهان اسلام از آغاز تاریخ اسلام تا عصر معاصر می‌پردازد.

درحقیقت بحث مورد اشاره؛ «تاریخ و تاریخ‌نگاری» بخشی از مقالات ذیل واژه‌ی «تاریخ» در دانش‌نامه‌ی جهان اسلام است که به‌صورت جداگانه به اهتمام انتشارات کتاب مرجع به‌صورت مجموعه‌ای جداگانه چاپ و منتشر شده است. از نظر ساختار موضوعی کتاب شامل یک پیشگفتار، یازده بخش که هر بخش به یک موضوع درباره‌ی قلمرو تاریخ‌نگاری اختصاص یافته است، پی‌نوشت‌ها و منابع، نمایه و نشانه‌ها و اختصارات مشتمل شده است.

در بخش نخست کتاب، ستار عودی به بررسی «واژه‌شناسی» تاریخ در زبان‌های فارسی، عربی و ترکی می‌پردازد و در بررسی واژه‌ی تاریخ معتقد است ریشه‌ی این واژه از «تورخ» (در سامی به معنای ماه) است و تاریخ از مَوْرَخ یا «مَوْرَخ» اشتقاق یافته است و اشتقاق‌های دیگر را نمی‌پذیرد. برخی نیز اصل واژه‌ی تاریخ را فارسی و برگرفته از «ماه-روز» می‌دانند که معرّب آن مورخ شده است. البته نویسنده نیز در درستی این مطلب شک و تردید دارد. با این حال می‌نویسد: «لغویان به این نتیجه رسیده‌اند که به احتمال قوی واژه‌ی تاریخ از ریشه‌ی «آرخ» یا «وَرخ» سامی در یمن است، زیرا وَرَخ (جمع آن: أَوْرَخَم) در سنگ نوشته‌های عصر پیش از اسلام به معنای ماه قمری به کار رفته است. (ناجی، همان: ۲) با توجه به اسنادهای زبان‌شناسی می‌توان به این نتیجه رسید که واژه‌ی تاریخ عربیت گرفته شده از زبان عربی بوده که به زبان فارسی نیز راه یافته است.

در بخش دوم «جایگاه تاریخ در طبقه‌بندی علوم در آثار متفکران دوره‌ی اسلامی» مورد بررسی قرار گرفته است. در بررسی آثار فکری متفکران متقدم اسلامی نظیر کندی، ابوزید بلخی، ابن سینا و فارسی آن‌ها به تأثیر متفکران یونانی، در طبقه‌بندی علوم جایگاه خاصی برای تاریخ در علوم اسلامی قائل نشده‌اند. نخستین کوشش برای تثبیت جایگاه و موقعیت علم تاریخ در بین سایر علوم توسط ابوعبدالله خوارزمی در مفاتیح العلوم صورت گرفته است. وی از تاریخ به عنوان یکی از اصطلاحات ایران و دیوان رسایل یاد کرده و به جای «تاریخ» عنوان «اخبار» را برای بیان رویدادها و سرگذشت‌های پادشاهان و خلفا برگزیده است. (همان: ۳) بعدها سایر مؤلفان و دانشمندان اسلامی به تأسی از وی و یا به‌طور مستقل درباره‌ی جایگاه علم تاریخ در بین سایر علوم اسلامی بحث‌های مستقلی ارائه کرده‌اند. با وجود تأثیرپذیری مسلمانان از یونانیان در این حوزه، اشاره‌ای در ارتباط با میزان تأثیرگذاری یونانیان و سریانی‌ها در تقسیم‌بندی علوم به ویژه علم تاریخ توسط مؤلف اشاره نشده است.

در بخش سوم، «تاریخ‌نگاری اسلامی» توسط محمدرضا ناجی مورد بررسی و توصیف و تحلیل قرار گرفته است. نویسنده‌ی این مقاله معتقد است، اعراب در عصر جاهلیت برخی از روزهای مهم که شامل افتخارها، تعصب‌های قومی و ستیزه‌های خاندانی و قبیله‌ای بود تحت عنوان «ایام‌العرب» حفظ کرده و سینه به سینه به شکل حماسی به نسل آینده انتقال می‌دادند. (همان: ۷)

پس از اسلام نیز برای شرح فتوح و جنگ‌ها و وقایع مهم این عنوان در برخی از تک‌نگاری‌ها به کار رفت، اما پس از ظهور اسلام با ترغیب آموزه‌های قرآنی و تعلیم نبوی توجه به تاریخ نهادینه شد. بنابراین تحت تأثیر بینش‌های قرآنی و حدیث، مسلمانان به سیره و مغازی پیامبر اکرم به منزله‌ی نخستین و مهم‌ترین موضوع برای مطالعات تاریخی توجه خاصی نشان دادند. (همان: ۹)

تاریخ‌نگاری در بین مسلمانان نخست به صورت وقایع‌نگاری آغاز نشد، بلکه، اولین نمونه‌های تاریخ‌نگاری در اسلام آثاری است که بر محور شرح سیره و زندگانی پیامبر اسلام تألیف گردید و در تدوین آن اصول علم حدیث رعایت شده است. مؤلفانی که در این شکل تألیفاتی انجام داده‌اند به آن‌ها اخباری گفته می‌شود. بعدها شکل‌ها و مکتب‌های متعددی در این حوزه شکل گرفت. (همان: ۱۱ و ۱۰)

وقایع نگاری به عنوان شکل نوین و رسمی تاریخ نگاری در حقیقت از سده‌ی سوم هجری آغاز شد و در این قالب مورخان بزرگی در جهان اسلام به تدوین تاریخ اسلام و ایران و جهان اسلام پرداختند. در وقایع نگاری دوره‌ی اسلامی، رویدادهای گوناگون به صورت سال شمار یا براساس دوران حکومت خلفا شرح داده می‌شود. در این روش، رویدادی که دوره‌ای چند ساله را دربرمی‌گیرد، معمولاً تقطیع می‌شود و ضمن وقایع سال‌های متعدد یا دوره‌ی خلفای پیاپی می‌آید. شماری از آثار مهم تاریخی ایران پیش از اسلام، مانند خداینامه، تاجنامه و آئین نامه را کسانی چون ابن مقفع به عربی ترجمه کردند. اما به علاوه عقیده‌ی روزنتال هیچ یک از نوشته‌های ایرانی دوره‌ی ساسانی یا آثار تاریخی یونانی و بیزانسی، الهام بخش و قایع نگاران مسلمان نبوده است. در واقع همه‌ی کتاب‌هایی که از آن‌ها اطلاعی در دست است، مدت‌ها پس از آن که وقایع نگاری در نوشته‌های تاریخی اسلامی ظاهر شده، تألیف نشده‌اند. (همان: ۲۰)

از مباحث دیگر این بخش، بررسی شیوه‌ی سال نامه نگاری و تاریخ‌های عمومی است. به عقیده‌ی مؤلف این نوع از متون تاریخی از منابع مهم تاریخی‌اند که به بررسی تاریخ عمومی جهان می‌پردازند، این متون از اوضاع جغرافیایی، مسالک و ممالک تا مباحث قومی را نیز در برمی‌گیرد. (همان: ۲۳)

ذیل نامه نویسی و مختصر نویسی از شیوه‌های دیگر تاریخ نویسی بود که در ذیل و تکمله‌ی بسیاری از متون مهم و معتبر تاریخی معمول گشت، نخستین مورخی که ذیلی بر تاریخ نگاشت، طبری بود. وی بر تاریخ خود تکمله‌ای افزود. (همان: ۲۶)

نسب نامه نویسی از دیگر شیوه‌های تاریخ نگاری بود که اعراب در عصر جاهلیت به صورت نقل شفاهی به منظور تبارشناسی و حفظ نژاد و تبار خود به آن علاقه زیادی داشتند. در این روایت‌ها تنها نام‌هایی در قالب شجره ذکر می‌شده است و به سختی می‌توان پذیرفت که حاوی مطالب و رویدادهای تاریخی درباره‌ی افراد مورد بحث بوده است. با این حال نسب نامه‌هایی که پس از اسلام تدوین شده‌اند، از نظر صحت تاریخی مشکوک به نظر می‌رسد. سرآمد نسب شناسان سده‌ی محمد بن سائب کلبی (متوفی ۱۴۶) بود که بیشتر نسب نویسان بعدی به روایت از کتاب‌های او پرداخته‌اند. (همان: ۲۶ و ۲۷)

تاریخ نگاری به شیوه‌ی طبقات، نیز از که در حقیقت منشأ اسلامی - عربی دارد از کهن ترین شیوه‌های تاریخ نگاری مسلمانان است که در این شیوه افراد متعلق به یک گروه یا دوره یا نسل (طبقه) در یک ردیف جای گرفته و شرح حال آنان به ترتیب زمانی به دنبال هم نقل و روایت می‌شود. (همان: ۳۹) از نخستین آثاری که در این زمینه تدوین گشت می‌توان به کتاب الطبقات الکبری اثر محمد بن سعد مشهور به کاتب واقدی اشاره کرد. (همان: ۴۰)

سرگذشت نامه‌ها نیز از آثار عام تاریخی محسوب می‌شود که در حقیقت کهن ترین شکل روایت تاریخی است و از آغاز تاریخ نگاری مسلمانان سهم مهمی در تاریخ نگاری مسلمانان داشت، علت رواج این شیوه شاید تدوین سیره پیامبر اسلام بوده است که مورخان این سبک همگی به آن در کتاب‌هایشان پرداخته‌اند و به ترتیب سایر موضوع‌های تاریخی را به دنبال هم نقل و روایت کرده‌اند. (همان: ۴۱) بعدها به تاسی از سیره‌ی پیامبر

اکرم، تک نگاری‌هایی درباره‌ی سرگذشت خلفا، فرمانروایان، دانشمندان، اولیاء و علما هم نگاشته شد.

از قرن هفتم هجری به بعد تألیفاتی براساس محدوده‌ی زمانی سده‌ها فرآهم آمد که عمدتاً به شیوه‌ی عام و الفبایی است و در ردیف سرگذشت نامه‌ها قرار می‌گیرد، این متون تاریخی در اصطلاح تاریخ نگاری «سده نامه‌ها» گفته می‌شود. (همان: ۴۸)

تاریخ نگاری محلی یکی از مهم ترین سبک‌های تاریخ نگاری به جهت اهمیت آن در شرح گزارش‌های تاریخی است، علت اهمیت این شیوه به جهت عدم توجه تاریخ نویسان عمومی و سایر مورخان به حوادث جزئی ولایات و شهرها است. در جهان اسلام تاریخ‌های محلی بسیاری با صبغه‌ی علمی یا سیاسی تدوین شد. کهن ترین تاریخ محلی موجود که به تراجم رجال اختصاص یافته، تاریخ واسط اثر اسلم بن سهل رزّاز معروف به بحشَل واسطی (متوفی ۲۸۸) است. (همان: ۵۱)

اگر بپذیریم که رویداد های تاریخی نه تنها در راستای زمان بلکه در گستره مکان نیز وقوع یافته و تحت تاثیر عوامل جغرافیائی نتایج متفاوتی دارند، (شارل ساماران و دیگران، ۱۳۷۵، ج اول: ۱۰۷) بنابر این عوامل جغرافیایی یکی از پدیده‌های مؤثر در تحولات تاریخی و انسانی محسوب می‌شوند. در طول تاریخ ایران تاریخ نگاران ایرانی به طور کلی توجه زیادی نسبت به اوضاع اجتماعی مناطق مختلف ایران نداشتند، زیرا رویکرد اساسی تاریخ نگاری درباره‌ی بود و مورخ حوادث و تحولات اجتماعی درباره پادشاهان را نگارش می‌کرد. با این حال مورخان محلی افرادی بودند که با انگیزه‌های متفاوتی نسبت به تاریخ نگاران درباره‌ی تألیف‌های گوناگونی درباره‌ی مناطق مختلف ایران نگارش کرده‌اند. مهم ترین انگیزه‌ی آنان از تدوین تاریخ منطقه‌ای که در آن ساکن بودند، - «حب وطن» - علاقه به زادبومشان بوده است.

همواره در پژوهش‌های تاریخی، تاریخ‌های محلی به جهت این که گزارش‌های مفیدی علاوه بر اوضاع تاریخی درباره شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ارائه می‌دهند، اهمیت فراوان دارند. در مطالعه و پژوهش حاضر تأکید محقق بر تاریخ‌های محلی است. این آثار بیشترین داده‌ها و اطلاعات تاریخی در موضوع‌های مختلف را در آثار خود بازتاب داده‌اند، بنابراین نگارنده با تکیه بر این مأخذ و هم چنین دیگر مأخذی که درباره‌ی گیلان عصر صفویه مطالبی ثبت و نگارش کرده‌اند، تحقیق حاضر را انجام داده است.

دکتر زرین کوب درباره‌ی علت تألیف و اهمیت تاریخ‌های محلی می‌نویسد: «در این گونه تاریخ‌ها که غالباً اطلاعاتی سودمند نیز در باب ولایات نوشته‌اند، معلومات مفیدی در باب حوادث و وقایع اوایل فتوح اسلام مندرج است و در واقع موجب تألیف این گونه تاریخ‌ها در اوایل ظاهراً تا حدی تدوین اطلاعات در باب کیفیت فتح بلاد بوده است تا در مورد اخذ و جمع مال و خراج، اساس و زمینه‌ی موفق و درستی در دست باشد و چون در این باب برحسب آن که شهری به صلح گشوده شده باشد یا به جنگ، حکم خراج تفاوت داشته است؛ در هر شهری از قدیم واقفان و علاقمندان به تدوین اطلاعات و جمع اخبار می‌پرداخته‌اند و بعدها دیگران بر آن اطلاعات و اخبار مطالب تازه‌ای می‌افزودند و سوانح احوال امراء و سلسله‌های محلی را نیز یادداشت می‌کرده‌اند. از این گونه تاریخ‌های محلی که در هر حال



از نخستین مورخان اهل تشیع محسوب می‌شود. بعدها مورخان تشیع به دلیل علاقه‌ای که به امام علی و ائمه داشتند، داستان زندگی ایشان را در قالب تک‌نگاری از زندگی امام علی اختصاص دارند. (همان: ۸۲)

علاوه بر سیره‌نویسی و تک‌نگاری درباره‌ی زندگانی ائمه تشیع برخی از متون تاریخی به شیوه‌ی معمول، ذیل بررسی و گزارش تاریخ جهان اسلام، به زندگانی ائمه توجه ویژه‌ای نشان دادند، بنابراین پیش از مورخان بزرگی نظیر مسعودی و یعقوبی، برخی از نویسندگان تشیع نظیر ابان بن عثمان درباره‌ی تاریخ تشیع اثر مهمی تحریر کرد. (همان: ۹۰)

با آن که بخش زیادی از متون اهل تشیع به صورت تاریخ‌های عمومی، تک‌نگاری‌ها، رجال و سایر شیوه‌ها تهیه و تنظیم شده است، اما در این میان تاریخ‌های محلی جایگاه ویژه‌ای در بازتاب تاریخ شیعیان، جنبش‌ها و افکار اهل تشیع دارند. این کتاب‌ها درباره‌ی مکه و مدینه، مراکز شیعه‌نشین مانند کوفه و سیس قم و ری، که سده‌های متمادی پایگاه مهم فعالیت اخباریان و محدثان و فقها و متکلمان شیعه بودند، بغداد پایتخت عباسیان و نیز شهرهایی مانند موصل که زمانی تحت حکومت دولت شیعی حمدانیان بود، تألیف شده است. (همان: ۹۵)

از سایر کتب مهم و شیوه‌های تاریخ‌نگاری می‌توان به کتاب‌های انساب، طبقات و رجال اشاره کرد.

در بین فرقه‌های اهل تشیع، تاریخ‌نگاری اسماعیلیان از اهمیت زیادی برخوردار است. این فرقه به جهت ساختار فکری و عقیدتی خود و از سوی دیگر به دلیل این که هم از سوی شیعیان و هم اهل سنت دشمنان زیادی داشتند، سعی نمودند از نظر فکری و عقیدتی تلاش‌های زیادی انجام دهند، بنابراین تاریخ‌نگاری اسماعیلیان به‌طور کلی با جهت‌گیری‌های سیاسی آنان پیوند نزدیکی داشته است. اسماعیلیان علاوه بر این که از سوی حاکمان سیاسی مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفتند، به شدت از سوی علماء،

غالباً مشحون از آگاهی‌ها و اخبار مفید و کم‌نظیر و در بعضی موارد نیز حاوی قصه‌ها و روایت‌های مبالغه‌آمیز است، نمونه‌های این موارد به طور گسترده در زبان و ادبیات فارسی وجود دارد.» (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۵۱)

تاریخ‌نگاری دودمانی نیز شیوه‌ی رایج تاریخ‌نگاری اسلامی است که از آغاز مبتنی بر شرح وقایع حکومت خلفا و سلاطین بود. در این شیوه‌ی تاریخ‌نگاری بس از زوال قدرت مرکزی خلافت اسلامی رونق بیشتری یافت. دوران حکومت حاکمان مناطق مختلف اسلامی به‌عنوان تنها اصل تنظیم مطالب به کار رفت. در نحوه‌ی تنظیم تاریخ حکومت امویان و عباسیان از همین شیوه پیروی شده است. یکی از نخستین کسانی که تاریخ دودمانی نوشته و به رواج این شیوه در تاریخ‌نگاری پرداخت، عوانه بن حکم کلبی \* متوفی ۱۴۷ هـ. ق) است که «سیره معاویه و بنی‌امیه» را نگاشت (همان: ۶۴) بعدها این شیوه‌ی توسط تاریخ‌نگاران ایرانی جهت تدوین گزارش حوادث سلسله‌ها، دودمان‌ها و حاکمانی که در ایران حکومت می‌کردند به کار رفت.

بخش چهارم کتاب به تاریخ‌نگاری شیعیان اختصاص یافته است. با آن که تاریخ‌نگاری شیعیان از اواخر سده‌ی چهارم هـ. ق در نتیجه‌ی حمایت آل‌بویه و حکومت‌های شیعی شروع گشت، اما برخی بر این عقیده‌اند که تألیف نخستین کتاب‌های تاریخی و فقهی شیعه در سده‌ی اول و روزگار امام علی (ع) آغاز شد. (ناجی، همان: ۷۹) براساس این دیدگاه آیات قرآن و تعلیم نبوی و رهنمودهای ائمه خصوصاً امام علی، بیشترین تأثیر را در توجه اصحاب به تاریخ داشت و الگوبرداری از رفتارهای فردی و اجتماعی پیشوایان دین، انگیزه‌ی روایت و تدوین و تألیف سیره‌ی آنان شد. بنابراین سیره و جنگ‌های پیامبر اکرم به اندازه‌ای مورد توجه نویسندگان و متفکران اهل تشیع بود که برخی از «اصحاب مغازی» را تنها با گرایش شیعی می‌شناختند. ابان بن عثمان احمر بَجَلی (متوفی، ۱۷۰ هـ -)

## کتاب حاضر با بحث مفصلی درباره‌ی علم تاریخ از ریشه‌شناسی واژه تاریخ آغاز می‌شود و پس از بررسی شیوه‌های تاریخ‌نگاری و انواع آن در جهان اسلام از آغاز تاریخ اسلام تا عصر معاصر می‌پردازد

تاریخی و سلاطین تأکید دارند، اشاره کرد. (همان: ۱۱۸) علاوه بر تک‌نگاری‌ها می‌توان تاریخ‌نگاری منظوم را نام برد، این متون به‌ویژه از عصر مغول آغاز شده و تا دوره‌ی معاصر ادامه یافت.

دسته‌ی دیگر از متون تاریخی که به‌صورت جنبی به تاریخ ایران توجه داشته است، آثاری است که ذیل عنوان، سفرنامه‌ها، خاطرات، روزنامه‌ها، شرح حال‌ها، وقایع‌نگاری، منشآت و اسناد دیوانی اشاره کرد. در بین آثار اشاره شده، سفرنامه‌های شخصیت‌های علمی و فرهنگی از اهمیت زیادی برخوردار است. از جمله‌ی این سفرنامه‌ها می‌توان به سفرنامه‌های ناصر خسرو و ابن بطوطه اشاره کرد که محتوای آثار آن‌ها موضوع‌هائی نظیر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را دربر می‌گرفته است. (همان: ۱۲۰)

در ادامه‌ی این بخش سیر تاریخ‌نگاری در ایران پیش از اسلام مورد بحث قرار گرفته است، در ایران پیش از اسلام به جهت فقدان آثار مکتوب آثار زیادی به عصر اسلامی که نشان‌دهنده‌ی اوضاع اجتماعی و فرهنگی آن دوره باشد، انتقال نیافته است. (همان: ۱۲۵)

اوج تاریخ‌نگاری ایرانیان از سده‌ی سوم هجری آغاز شده و در عصر ایلخانان، تیموریان و صفویه به اوج می‌رسد، سرانجام در اواخر عصر صفویه پس از انحطاط در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران تاریخ‌نگاری به عنوان بخشی از میراث فکری و فرهنگی تا پایان عصر قاجار متکلف و به انحطاط مبتلا می‌شود، اما از اواخر عصر قاجار پس از آشنائی ایرانیان با غرب و رواج ساده‌نویسی و هم‌چنین واردشدن روش‌شناسی در بینش تاریخی، تاریخ‌نگاری ایرانیان متحول می‌شود، با این حال همان سبک سنتی تا مدت‌ها در نوشته‌های تاریخی به‌ویژه تاریخ‌نگاری رسمی ادامه یافت.

بخش هفتم کتاب حاضر، درباره‌ی تاریخ‌نگاری آفریقا در دوره‌ی اسلامی است. در این بخش نخست تاریخ‌نگاری شمال آفریقا به‌عنوان بخش مهمی از جغرافیای این سرزمین بررسی شده است. تاریخ‌نگاری این بخش از جهان اسلام از قرن چهارم هجری آغاز شده است. در ادامه‌ی بخش تاریخ‌نگاری غرب و مرکز آفریقا نیز مورد توجه قرار گرفته است. این بخش از آفریقا به‌دلیل شرایط نامساعد آب و هوایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و قدمت تاریخ‌نگاری آن به دو سده‌ی اخیر بازمی‌گردد. (همان: ۱۷۸)

بخش هشتم کتاب تحت عنوان تاریخ‌نگاری اندلس است، نخستین بار تاریخ این سرزمین تحت عنوان؛ تاریخ شبه‌جزیره ایبری که در سال ۹۲ هجری جزء ممالک اسلامی شد، توسط مورخان مصری صورت گرفت و از نخستین کتابی که درباره‌ی این سرزمین نوشته شده است، تاریخ

فقها و متکلمین مورد لعن و نفرین و سرزنش بودند، هجمه‌ی فعالیت‌های ضداسماعیلی در تاریخ موجب شد تا آن‌ها از ابزار تقیه استفاده کنند و این مسأله در آثار فکری و تاریخی آنان دیده می‌شود. آن‌ها به جهت سابقه‌ی تعلیم و نیز به سبب لزوم سری نگهداشتن فعالیت‌های خود در سرزمین‌های مخالفان خود، علاقه‌ی خاصی به تدوین تاریخ، سال‌شمار یا دیگر انواع گزارش‌های تاریخی نداشتند، بنابراین با توجه به این عدم علاقه‌مندی، آثار تاریخی زیادی که نشان‌دهنده‌ی تنوع در تاریخ اسماعیلیان باشد، از سوی مورخان اسماعیلی مذهب دیده نمی‌شود. قاضی نعمان اثر خود را به‌عنوان نخستین تاریخ درباره‌ی اسماعیلیان است، تحت عنوان «افتتاح‌الدعوه» را در سال ۳۴۶ هـ. ق تألیف کرده است (همان: ۱۰۱) بعدها به شیوه‌ی وی آثاری توسط اسماعیلیان ایران، شام و فاطمیان مصر در زمینه‌ی تاریخ آراء، افکار و فعالیت‌های سیاسی آن‌ها نوشته شد. برخی از اسناد و نوشته‌های تاریخی و مذهبی اسماعیلیان بعدها پس از سقوط آن‌ها و گشوده‌شدن درهای قلعه‌ها به‌ویژه الموت توسط مخالفان آن‌ها نظیر عطاالملک جوینی در کتاب‌هایشان منعکس شده است.

در بخش ششم، تاریخ‌نگاری ایران و انواع شیوه‌های تاریخ‌نگاری که درباره‌ی تدوین تاریخ ایران و آثار تاریخی و فرهنگی نگارش شده‌اند، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

یکی از مهم‌ترین اقسام و شیوه‌هایی که موضوع و مباحث و سلسله‌های ایرانی را مورد بررسی قرار داده است، تاریخ‌های عمومی است. این نوع متون تاریخی از سده چهارم هجری تا پایان دوره‌ی قاجار از شیوه‌ای مسلط در تاریخ‌نگاری بوده است.

مؤلفان این گونه آثار جهان‌بینی اسلامی داشتند و در تاریخ جهان بیشتر به روایت‌های ایرانی و اسلامی توجه می‌کردند و به تاریخ جهان بیشتر به روایت‌های ایرانی و اسلامی توجه می‌کردند و به تاریخ یونان و روم، چین و هند پیش از اسلام کم‌تر می‌پرداختند. این مورخان آثار خود را از خلقت عالم آغاز می‌کردند و پس از شرح آفرینش آدم و سرگذشت پیامبران به تاریخ اساطیری ایران از کیومرث می‌پرداختند و تا پایان عهد ساسانی را نگارش می‌کردند. و در ادامه‌ی تاریخ‌اسلام را از زندگی پیامبر را آغاز و سپس رویدادهای تاریخی را به ترتیب وقایع تا دوره‌ی مورد زندگی مورخ ادامه می‌دادند. (همان: ۱۱۱)

خوشبختانه متون تاریخی درباره‌ی تاریخ ایران متنوع و گسترده است. از دیگر شیوه‌های تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نویسی ایرانیان می‌توان به متون تاریخ محلی، تاریخ‌های دودمانی، تک‌نگاری که بیشتر بر زندگی شخصیت‌های

ذیل‌نامه‌نویسی و مختصر‌نویسی از شیوه‌های دیگر تاریخ‌نویسی بود که در ذیل و تکمله‌ی بسیاری از متون مهم و معتبر تاریخی معمول گشت، نخستین مورخی که ذیلی بر تاریخ نگاشت، طبری بود. وی بر تاریخ خود تکمله‌ای افزود

## جهان اسلام

اسلام است و در این نوع متون پایه‌ی نگارش و تحلیل بر مبنای اختصار است، اما نویسندگان این مقالات مباحث جامع و متنوعی درباره‌ی سیر تاریخ‌نگاری در جهان اسلام و در مقالات خود ارائه کرده‌اند.

با وجود نکات ارزشمند در مقالات چاپ شده سطح علمی و تحلیلی همه‌ی مقالات یک دست و با کیفیت نیست. نکته‌ی دیگری که به عنوان ضعف اثر محسوب می‌شود درباره‌ی عنوان کتاب است؛ عنوان و موضوع کتاب با محتوای آن متناسب نیست، زیرا عنوان کتاب حاضر تاریخ و تاریخ‌نگاری است، که عنوانی عام درباره‌ی تاریخ‌نگاری است. براساس موضوع کتاب نویسندگان کتاب حاضر می‌بایست نه تنها سیر تاریخ‌نگاری در جهان اسلام، بلکه ایران پیش از اسلام و جهان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند، در حالی که کتاب حاضر تنها به بررسی سیر تاریخ‌نگاری جهان اسلام از ظهور دین اسلام تا دوره‌ی معاصر را مورد ارزیابی قرار داده است. لذا شایسته بود پدیدآورندگان اثر حاضر عنوان کتاب را «تاریخ‌نگاری در جهان اسلام» قرار می‌دادند. شیوه‌ی بررسی نویسندگان حاضر به دلیل تعدد مقالات و نگارنده‌ها متفاوت است، و از سوی دیگر نویسندگان مقاله تنها گزارش از نویسندگان و مورخان که در یک دوره‌ی تاریخی متن و یا گزارشی نوشته‌اند ارائه کرده‌اند و از تجزیه و تحلیل کمیت و کیفیت متون تاریخی و تأثیر آن بر جریان فکری - فرهنگی و یا مورخان دیگر به تحلیلی اشاره نشده است.

با وجود این کتاب حاضر گزارش کاملی از سیر تاریخ‌نگاری در جهان اسلام در اختیار تاریخ‌پژوهان قرار داده است.

### منابع

- زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم ۱۳۷۱
- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- سجادی صادق و عالم زاده هادی، تاریخ‌نگاری در اسلام، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۵.
- شارل ساماران و دیگران، روش‌های پژوهش در تاریخ، ترجمه‌ی گروه مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، ج اول.
- ناجی و دیگران، محمدرضا، تاریخ و تاریخ‌نگاری، تهران، نشر کتاب مرجع، ۱۳۸.

الاندلس است. (همان: ۱۹۲) تاریخ‌نگاری اندلس متنوع و متعدد است، زیرا این سرزمین به مدت چند سده به‌عنوان تنها پایگاه علم و اندیشه در اروپا محسوب می‌شد و رونق تاریخ‌نگاری آن بیشتر به سده‌ی سوم تا پنجم هجری باز می‌گردد که امویان در این سرزمین در اوج قدرت به سر می‌بردند. (همان: ۱۹۴ - ۱۹۱)

بخش نهم بررسی تاریخ‌نگاری عثمانی و ترکیه نوین است. براساس تقسیم‌بندی مقاله‌ی حاضر سیر تحول تاریخ‌نگاری در امپراتوری عثمانی و ترکیه نوین به چهار دوره تقسیم می‌شود.

۱- از آغاز تا حدود ۱۹۰۵، ۲- مرحله‌ی دودمانی/ حکومتی تا حدود، ۳- مرحله‌ی اواخر امپراتوری که تاریخ‌نگاری در سیطره‌ی واقع‌نویس (مورخ رسمی) بود. ۴- تاریخ‌نگاری معاصر از حدود ۱۳۲۷، ۱۹۰۹ به بعد.

نخستین متن تاریخی که از عثمانی‌ها در تاریخ باقی مانده است، تحت عنوان «داستان» است که قطعه‌ای است. کوتاه و منظوم در ستایشی این خاندان توسط شاعری به نام احمد (متوفی ۸۱۵ ه. ق) بعدها این اثر به اسکندرنامه ضمیمه شده است. (همان: ۲۰۱) بعدها عثمانی‌ها به جهت فتوحاتی که در خاورمیانه و اروپا انجام داده‌اند، مورخان درباری و رسمی متون تاریخی متنوعی درباره‌ی شرح فتوحات و تاریخ این خاندان تدوین کرده‌اند. (همان: ۲۰۸ - ۲۰۹)

بخش دهم تحت عنوان تاریخ‌نگاری در هند دوره‌ی اسلامی است. با آن که برخی بر این عقیده‌اند که تاریخ همراه مسلمانان به هند وارد شده است، اما با توجه به تحقیقات انجام شده، آشکار شده است که از قرن ششم هجری نشانه‌هایی از آثار و متون تاریخی هند دیده می‌شود. با این حال اوج تاریخ‌نگاری هند را باید در دوره‌ی سیادت تیموریان در این سرزمین جست‌وجو کرد. در این دوره به جهت مهاجرت گروه‌های اهل فرهنگ ایران عصر صفویه به هند، علاوه بر شکوفایی فرهنگی، متون تاریخی عمده‌ای درباره هند تدوین شده است. (همان: ۲۲۴ - ۲۱۵)

آخرین بخش کتاب حاضر تحت عنوان تاریخ‌نگاری اندونزی و مالزی است. با وجود این که سرزمین‌های مورد اشاره بسیار دیرتر و توسط گروه‌های جاری و مذهبی به اسلام گرویدند، اما از قرن یازدهم آثار متنوعی درباره‌ی چگونگی گرایش آنان به اسلام و تاریخ و فرهنگ اسلام اندونزی و مالزی نگارش شده است.

### نقد و نظر

با وجود آن که کتاب تاریخ و تاریخ‌نگاری بخشی از دانش‌نامه‌ی جهان

### پی‌نوشت

1 . E.MAIL: Panahi76@yahoo.com